

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۵ سپتمبر ۲۰۲۳

بازگشائی مدارس و دانشگاه‌ها و فشار بر معلمان مدارس و استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان!

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور قاتل جمهوری اسلامی، در شروع سال تحصیلی مدارس ایران؛ مانند همیشه دروغ بزرگ هیتلری خود و رهبرش را تکرار کرده است: «پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی داشته‌ایم!» معلوم نیست که او از کدام پیشرفت؟ البته از نظر او و تجربه زندگی سیاسی و اجتماعی او نشان می‌دهد که واقعا پیشرفت شگفت‌انگیزی داشته است؛ کسی که از طلبگی و با شش کلاس سواد آن‌هم در قرن بیست و یکم، رئیس جمهور یک جامعه ۸۵ میلیونی با ۹۰ درصد باسواد شده است. کسی که حکم اعدام هزاران نفر را مستقیماً صادر کرده و غیر از زبان قتل و کشتار، ترور و وحشت، فساد و دزدی، هیچ زبان دیگری نمی‌فهمد. بلی موقعیت چنین فردی، واقعا شگفت‌انگیز است! شگفت‌انگیزتر از همه، وجود نفرت‌انگیز جمهوری اسلامی و بقای این حکومت بجهکش است! سال تحصیلی جدید در ایران با زدن زنگ مدرسه دخترانه‌ای در شهر بهارستان در استان تهران، توسط ابراهیم رئیسی رئیس جمهور آغاز شده است.

رئیسی در این مراسم، به دانش‌آموزانی که سال گذشته با حملات شیمیایی دولت و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفتند و ده‌ها کودک را نیز در خیابان‌ها با گلوله‌های جنگی کشتند، بی‌شرمانه و وقیحانه چنین گفته است: «شما دانش‌آموزان برای این‌که بدانید در گذشته کجا بودیم، اکنون در چه جایگاهی هستیم و مسیر آینده کدام است، می‌توانید پیشرفت‌های کشور را به تصویر بکشید. حتماً شهر و روستای شما پیشرفت‌هایی داشته، مجموعه کشور علیرغم همه تهدیدها و تحریم‌ها و مشکلاتی که دشمنان برای کشور ایجاد کردند، پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی داشته است.» سال تحصیلی جدید در ایران در حالی آغاز می‌شود که فضای تهدید و سرکوب و سانسور، سراسر جامعه ایران فراگرفته از جمله از مدارس عمدتاً دخترانه ایران در سال گذشته گزارش‌های متعددی از مسمومیت دانش‌آموزان منتشر شده است.

هرچند گزارش این مسمومیت‌های مشکوک از اواخر سال تحصیلی گذشته متوقف شده اما مقام‌های حکومت هنوز نه تنها هیچ گزارشی درباره منشأ و عوامل احتمالی آن به افکار عمومی نداده‌اند، بلکه همواره این اقدام وحشیانه خود را انکار و یا توجیه کرده‌اند.

ماه‌هاست که جمهوری اسلامی به‌دلیل هم زمانی آن با سالگرد خیزش سراسری ۱۴۰۱، نیروهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی از ترس شکل‌گیری مجدد تجمع‌های اعتراضی، در هر کوی و برزن مستقر کرده و با احضار، تهدید و بازداشت گسترده فعالین سیاسی، دانشجویان و معلمانی که به وضع موجود معترضند اقدام کرده‌اند. چندی پیش کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان ایران خبر داده بود که ماموران سرکوبگر در نهادهای امنیتی طی روزهای اخیر، تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس را به‌صورت تلفنی برای بازجویی احضار کرده‌اند. این احضارها اغلب بدون ذکر نام نهاد امنیتی یا بیان دلیل آن صورت گرفته است. همچنین در برخی موارد پس از آن‌که دانشجویان به این تماس‌ها پاسخ نداده‌اند، ماموران با خانواده‌های دانشجویان تماس گرفته و فرزندان آن‌ها را تهدید کرده‌اند.

این کانال تلگرامی نوشته بود: «به‌نظر می‌رسد این اقدامات در پی فرارسیدن سالگرد قتل مهسا امینی و هراس سیستم سرکوب از اعتراضات دانشجویی، با انگیزه ایجاد رعب و وحشت میان دانشجویان صورت گرفته است. در سال گذشته نیز نهادهای امنیتی بارها به این حربه متوسل شدند و دانشجویان بسیاری را احضار و تهدید کرده و در نهایت آنان را به امضای تعهدنامه‌ای مبنی بر عدم شرکت در اعتراضات مجبور کردند.»

شوراهای صنفی دانشجویان ایران تاکید کرده‌اند که مطابق قانون، احضار تلفنی شهروندان «هیچ‌گونه وجاهت قانونی ندارد، احضاریه باید به‌صورت کتبی ابلاغ شود و شهروندان هیچ‌گونه الزام قانونی و حقوقی برای پاسخ‌گویی به تماس‌های تلفنی نهادهای امنیتی و احضار تلفنی ندارند.»

هم‌زمان، خبرهایی از احضار امنیتی ده‌ها دانشجوی منتقد در استان‌های تهران، مازندران، گیلان، کردستان، آذربایجان شرقی و همدان در کانال‌های تلگرامی منتسب به دانشجویان این دانشگاه‌ها منتشر شده بود.

از آبان سال گذشته و پس از حدود یک ماه اعتصاب و حاضر نشدن دانشجویان معترض بر سر کلاس‌های درس، بازداشت گسترده این دانشجویان در محوطه دانشگاه‌ها، خوابگاه‌ها، منازل آنان یا مسیر دانشگاه‌ها اوج گرفت. همچنین موج کم‌سابقه‌ای از محرومیت دانشجویان منتقد، از تحصیل و امکانات رفاهی، در کنار پرونده‌سازی حراستی‌ها در دانشگاه‌ها، موجب شد تا اعتراضات گسترده دانشجویی و سر دادن شعارها علیه مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی فروکش کند.

در همان هنگام، انتشار یک فایل صوتی در رسانه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌ها از یکی از مدیران وزارت اطلاعات با نام مستعار «شکوهی» نشان داد که برخی مدیران امنیتی در نظام جمهوری اسلامی با بازگشایی دانشگاه‌ها پس از گذشت حدود دو سال تعطیلی و نیمه‌تعطیلی به دلیل کرونا، مخالف بوده‌اند و آن را به‌دلیل شکل‌گیری اعتراضات گسترده دانشجویی، «اشتباه بزرگ نظام» تفسیر کردند.



بازداشت ۳۲ عضو خانواده‌های کشته‌شدگان جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در فاصله ۲۶ مرداد تا ۳۱ مرداد

۱۴۰۲

از سوی دیگر و در ادامه سرکوب معلمان و فعالان فرهنگی در ایران، محراب فرساد مختاری، دبیر آموزش و پرورش شهرستان چالوس، روز چهارشنبه ۲۹ شهریورماه، به دست ماموران اداره اطلاعات در این شهر بازداشت و به شهر ساری منتقل شد. به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، محراب فرساد مختاری، دبیر آموزش و پرورش، به دست نیروهای امنیتی در چالوس بازداشت شد.

بر اساس این گزارش، ماموران اداره اطلاعات، روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲، این آموزگار را در منزل شخصی‌اش در نوشهر بازداشت کردند. تا زمان تنظیم این خبر از دلایل بازداشت و اتهامات مطرح‌شده علیه این معلم اطلاعاتی منتشر نشده است. محراب فرساد مختاری، دبیر آموزش و پرورش شهرستان چالوس و شهروند ساکن نوشهر است.

دادستان عمومی و انقلاب ایلام نیز از بازداشت یک نفر تحت عنوان عضو گروه‌های مخالف نظام در این شهرستان خبر داد. به گزارش ایرنا، دادستان عمومی و انقلاب ایلام این فرد را عضو یکی از گروه‌های مخالف نظام معرفی کرده است و دلیل بازداشت او را «ارتباط و همکاری با گروه‌های معاند و تشویش اذهان عمومی در سطح این شهر» عنوان کرد.

وی همچنین مدعی شد طی هفته گذشته چند شهروند دیگر نیز از اعضای گروه‌های ضد انقلاب در استان ایلام بازداشت شده‌اند. در این گزارش به هویت و محل نگهداری این معلم بازداشتی اشاره‌ای نشده است.

بیشتر نیز لیدا اسماعیلی، به بازنشستگی پیش از موعد و علیرضا همتی، به چند ماه انفصال از خدمت محکوم شد و همچنین از فرنگیس قشقای نیز برای حاضر نشدن در اعتراضات صنفی، تعهد گرفته شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، روز چهارشنبه ۱۸ مردادماه، در کانال تلگرامش نوشته بود که لیدا اسماعیلی، از فعالان صنفی البرز و گیلان، طی حکمی به بازنشستگی پیش از موعد و تقلیل گروه محکوم شده است.

این شورا در خبر دیگری آورده است که حکم سه ماه انفصال از خدمت علیرضا همتی، فعال معلمان آبدانان ایلام، با رای قطعی دادگاه تجدیدنظر هیئت تخلفات کشور تایید شده است. شرکت در تجمعات صنفی، همزمان با خیزش سراسری سال گذشته مردم ایران، از جمله اتهام‌های علیرضا همتی است.

فرنگیس قشقای، معلم بازنشسته استان خوزستان و از فعالان صنفی ساکن کرج، نیز خبر داد که به‌تازگی دو مامور نیروی انتظامی با در دست داشتن حکم دادستانی، به منزل او مراجعه کرده و برای شرکت نکردن در اعتراضات آینده مردمی، از او تعهد کتبی گرفته‌اند. این فعال صنفی آبان‌ماه سال گذشته به اتهام شرکت در اعتراضات سراسری بازداشت و پس از گذشت سه ماه با قید وثیقه آزاد شد.

همزمان با بازداشت دستکم پنج دانشجو و احضار ده‌ها دانشجو در آستانه سال تحصیلی جدید، فعالان دانشجویی ۱۲ دانشگاه بزرگ ایران در بیانیه‌ای مشترک و همچنین دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاه هنر تهران در بیانیه‌ای جداگانه، سال تحصیلی جدید را «مرحله تازه‌ای از کنشگری و مقاومت» در مقابل «اقدامات سرکوبگرانه حکومت» خوانده و نوشتند: «با صدای بلند اعلام می‌کنیم که آن‌ها، آرزوی انفعال و سکوت دانشگاه و ما دانشجویان را به گور خواهند برد.»

فعالان تشکلهای صنفی ۱۲ دانشگاه ایران در بیانیه مشترکی به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید با عنوان «ما بازمی‌گردیم»، نوشتند که تجربه متناوب «خواستن، سرکوب و ایستادگی» طی سال گذشته و در جریان اعتراضات

«زن، زندگی، آزادی»، «ما را وارد مرحله تازه‌ای از کنشگری و مقاومت برای رسیدن به آرمان‌هایمان کرده است که اقدامات سرکوبگرانه حکومت را بی‌اثر خواهد کرد.»

در این بیانیه به ابعاد گسترده سرکوب دانشگاهیان اشاره شده و آمده است که «اکنون استبداد شاید بیش از هر زمان دیگر از بدو تاسیس، کمر به قتل دانشگاه بسته است» و «گرچه رد تازیانه» حکومت پابرجاست اما «زخم‌شان» بر پیکر دانشگاه کاری نیست.

این بیانیه که در اولین ساعت‌های بامداد شنبه اول مهر ماه در کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور منتشر شد، به امضای فعالان صنفی ۱۲ دانشگاه شامل «دانشگاه‌های تهران، علامه، بهشتی، خواجه نصیرالدین طوسی، الزهرا و همچنین دانشگاه هنر تهران، دانشگاه یزد، دانشگاه چمران اهواز، دانشگاه اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه نوشیروانی بابل و دانشگاه فردوسی مشهد» رسیده است.

دانشجویان در این بیانیه با تأکید بر این‌که «هویت دانشجویی، به معنی ایستادگی در برابر ناعدالتی‌ها و تلاش برای نیل به خواسته‌های به‌حق است»، نوشته‌اند که «آغاز سال تحصیلی جدید «با انباشتی از تجربه و در امتداد مسیر بی‌پازگشتی که طی کرده‌ایم، وقت بازپسگیری و بازتعریف دوباره دانشگاه به‌عنوان میدانی برای تخیل و ساخت آینده و مبارزه برای رسیدن به آن است.»

فعالان تشکل‌های صنفی ۱۲ دانشگاه بزرگ ایران در بیانیه خود تأکید کردند «هم‌اکنون در درون جنبش دانشجویی سنت و ادبیتی در حال ساخته‌شدن است که خار چشم استبداد و آتشی روشنی‌بخش برای راهی است که به سوی فردا در پیش گرفته‌ایم.»

در همین حال جمعی از دانشجویان رشته‌های هنری دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاه هنر تهران در بیانیه‌ای مشترک به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید، ضمن محکوم کردن اقدامات مقام‌های حکومتی در سرکوب دانشجویان، نوشتند: «با صدای بلند اعلام می‌کنیم که آن‌ها، آرزوی انفعال و سکوت دانشگاه و ما دانشجویان را به‌گور خواهند برد.»

دانشجویان هنر بیانیه خود را «به‌نام زن، زندگی، آزادی» آغاز کردند و در ادامه افزودند «اینک سال دوم جنبش آزادی‌خواهانه و طغیان ملت ایران علیه ظلم» در حالی آغاز می‌شود که «دانشگاه زیر بار شدیدترین سرکوب‌ها و فشارهاست» و مقام‌های حکومتی «هراسان از حضور دانشجویان، آغاز ترم جدید را هر روز به تأخیر می‌اندازند» و با احضار و تهدید، سعی در ارباب و ساکت‌کردن دانشجویان دارند.

در بخشی از این بیانیه به موج اخراج استادان و احضار و بازداشت دانشجویان در «سالگرد مهسا امینی و آغاز اعتراضات زن، زندگی، آزادی» و در آستانه «آغاز سال تحصیلی جدید» اشاره شده و آمده است: «هیچ‌کدام ما از هیچ‌کدام از این اقدامات شنیع، نه ترسی در دل داریم و نه اندک تردیدی به ادامه راهی که آغاز کرده‌ایم.»

دانشجویان هنر در بیانیه خود افزودند: «دانشگاه خانه ماست، ما در این خانه می‌مانیم و با آثار و حضور موثرمان، همراه سایر مردم و دانشجویان و هنرمندان بیرون از دانشگاه، برای آزادی خواهیم آفرید، به مبارزه ادامه خواهیم داد و «نه‌گویان» فریاد خواهیم زد: ما هنوز زنده‌ایم.»

موج جدید بازداشت دانشجویان در آستانه سال تحصیلی جدید، از ۲۳ شهریور ماه آغاز شد که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی علی غلامی، فعال دانشجویی و دبیر سیاسی پیشین انجمن آرمان دانشجویان دانشگاه علم و صنعت را در منزل خانوادگی او، در شهر شیروان، بازداشت کردند.

علی رضوی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی نیز از ۲۵ شهریورماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و در حال حاضر در زندان فشافویه زندانی است.

در ادامه محمدمهدی وثوقیان، فعال دانشجویی و نایب دبیر شورای صنفی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ماه بازداشت شد. این دانشجو پیشتر نیز توسط کمیته انضباطی دانشگاه به «یک ترم تعلیق با احتساب سنوات» محکوم شده بود و مقام‌های دانشگاه اصفهان او را پیش از برگزاری جلسه کمیته انضباطی و قطعی شدن حکم، از ورود به خوابگاه منع کرده بودند.

فرهاد حسینی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه آزاد زنجان و خبرنگار سابق نشریه بایرام، نیز روز ۲۸ شهریور ماه، توسط نیروهای امنیتی در شهر زنجان بازداشت شد.

بنابر اعلام کانال دانشجویان متحد، این دانشجو در حال حاضر «در بازداشتگاه سپاه زنجان» محبوس است و «تحت بازجویی نیروهای سازمان اطلاعات سپاه» قرار داد.

جدیدترین مورد از این بازداشت‌ها، آرمیتا پاویر، دانشجوی دانشگاه مدنی آذربایجان، است که روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ماه بازداشت شد و به بند زنان زندان مرکزی تبریز انتقال یافت.

آرمیتا پاویر آبان پارسال نیز در همزمان با اعتراضات زن، زندگی، آزادی و اوج تجمعات اعتراضی دانشجویان برای مدتی بازداشت شده بود. او از آغاز شهریور ماه سال جاری و در آستانه سالگرد مهسا امینی و سال تحصیلی جدید، دو بار به دادرسی آذرشهر و تبریز احضار شده بود.

صدور احکام پرشمار «تعلیق از تحصیل»، «تبعید و انتقال اجباری» و «اخراج» برای دانشجویان معترض، «لغو مجوز و منع فعالیت شماری از تشکل‌های دانشجویی»، موج اخراج ده‌ها استاد و اعضای هیات علمی از جمله اقدامات دیگر دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی و مدیران دانشگاه‌ها علیه اعتراضات دانشگاهیان است.

با این وجود، شماری از نمایندگان رهبر جمهوری اسلامی و امامان جمعه شهرهای مختلف ایران روز ۳۱ شهریور ماه در خطبه‌های نماز جمعه از احتمال شکل‌گیری اعتراضات دانشجویی با بازگشایی دانشگاه‌ها ابراز نگرانی کردند.

محمدعلی آل‌هاشم، نماینده علی خامنه‌ای در استان آذربایجان شرقی، یکی از این مقام‌های حکومتی است که در خطبه‌های نماز جمعه تبریز، به صراحت از نگرانی مقام‌های جمهوری اسلامی نسبت به احتمال اوج‌گیری دوباره اعتراضات دانشجویی سخن گفت.

امام جمعه تبریز اعتراضات زن، زندگی، آزادی را «فتنه» خواند و گفت: «از ویژگی‌های جدید سال تحصیلی جدید نگرانی درباره فتنه زن، زندگی، آزادی است که این نگرانی به جاست و باید چاره اندیشی شود.»



همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید میلیون‌ها دانش‌آموز در ایران، یک سازمان حقوق بشری گزارش داد که طی ۹ ماه اخیر دست‌کم ۱۱۰ دانش‌آموز و ۴۷ معلم بازداشت شده‌اند و برای شماری از دانش‌آموزان و معلمان احکام «زندان و شلاق» صادر شده است.

از سوی دیگر سازمان معلمان ایران، انجمن اسلامی معلمان و مجمع فرهنگیان، طی بیانیه‌ای در آغاز سال تحصیلی جدید، به «محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی» حکومت علیه معلمان و فرهنگیان اعتراض کردند.

کانون فرهنگیان استان اصفهان نیز در بیانیه‌ای ابراز امیدواری کرد که در سال تحصیلی جدید، «ظلم و ستم، جهل و نادانی، فقر و بی‌عدالتی» در ایران «ریشه‌کن» شود و انجمن صنفی معلمان کردستان نیز نسبت به «امنیتی‌کردن فضای مدارس» توسط دستگاه‌های حکومتی اعتراض کرد.

سایت حقوق بشری همنگاو همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید برای میلیون‌ها دانش‌آموز و هزاران معلم در ایران، در گزارشی آمارهایی از «سرکوب گسترده معلمان و دانش‌آموزان، صدور احکام شلاق و زندان برای معلمان و دانش‌آموزان» در شهرهای مختلف ایران را منتشر کرد.

در این گزارش عنوان شده است که فقط طی ۹ ماه اخیر، یعنی از ۱۱ دی ماه و آغاز سال جاری میلادی، تاکنون، دست‌کم ۱۱۰ کودک و دانش‌آموز، همگی زیر هجده سال، در ایران بازداشت شده‌اند و برای ۵ تن از این دانش‌آموزان نیز حکم «زندان و شلاق» صادر شده است.

این سایت حقوق بشری، همچنین در گزارش خود تاکید کرد که طی ۹ ماه اخیر دست‌کم ۴۳ معلم در شهرهای مختلف ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند.

علاوه بر بازداشت گسترده معلمان، این گزارش می‌افزاید که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی طی ۹ ماه اخیر، یعنی از ابتدای سال میلادی ۲۰۲۳ تاکنون «۱۷ تن از معلمان» را نیز در شهرهای سنندج، شیراز، یزد، مریوان، آبدانان، تهران، کاشان و سقز به «حبس و شلاق» محکوم کرده است.

انجمن صنفی معلمان استان فارس، در آغاز سال تحصیلی جدید طی پیامی نوشت: «مهرماه و جاماندگان از مهر؛ مهرماه و بازگشایی مدارس را در حالی آغاز می‌کنیم که چندین هزار کودک به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند.» این انجمن افزود که «کودکان کار، قربانیان کوچک فقر، از جمله بازماندگان از تحصیل» هستند در حالی که طبق قانون اساسی فعلی نیز «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.»

انجمن صنفی معلمان استان کردستان نیز در بیانیه‌ای به مناسبت آغاز سال تحصیلی تاکید کرد که «بی‌تدبیری‌های متولیان نظام آموزشی کشور در سطوح شهرستانی، استانی و ملی، دمار از روزگار تعلیم و تربیت» در آورده است.

این انجمن به ترک تحصیل ۹۶۰ هزار کودک و نوجوان، گسترش شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی به نظام آموزش اشاره کرد و از طرفی در بیانیه خود به «امنیتی‌کردن فضای مدارس» توسط دستگاه‌های حکومتی اعتراض کرد.

کانون فرهنگیان استان اصفهان در بیانیه‌ای به مناسبت سال تحصیلی جدید، نوشت: با این امید راه نو را آغاز می‌کنیم که «ظلم و ستم، جهل و نادانی، فقر و بی‌عدالتی از این مملکت رخت بریندد و ریشه کن شود» و روزی «نخبگان بر صدر نشینند و قدر ببینند و با عقلانیت و خردورزی فلسفه شاد زیستن را پی‌ریزی کنند.»

در همین حال، سه تشکل صنفی فرهنگیان شامل «سازمان معلمان ایران، انجمن اسلامی معلمان و مجمع فرهنگیان» نیز همزمان با سال تحصیلی، به «محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی» حکومت علیه معلمان و فرهنگیان اعتراض کردند.

در بیانیه این سه تشکل صنفی معلمان از جمله به «سختگیری‌های گسترده با معلمان و برخوردهای قضایی و امنیتی با آن‌ها»، «صدور احکام زندان‌های طولانی‌مدت» و «پرونده‌سازی در دادگاه‌های انقلاب» برای معلمان به عنوان بخشی از برخوردهای حکومتی علیه معلمان اشاره شده است.

این سه تشکل صنفی معلمان، همچنین تاکید کردند که بخش دیگری از سرکوب معلمان نیز در خود وزارت آموزش و پرورش و با «پرونده سازی برای معلمان در هیات های تخلفات اداری و صدور احکام اخراج، بازخريد، بازنشستگي اجباري، تبعيد، قطع حقوق، حذف شمول رتبه بندي و انفصال از خدمت تعدادي از معلمان کنشگر صنفی، سیاسی» انجام می شود.



«سازمان معلمان ایران، انجمن اسلامی معلمان و مجمع فرهنگیان» در بیانیه خود تاکید کردند که انتظار دارند «سال جدید سال پایان فشارها و محدودیت ها و پرونده سازی و اعمال سخت گیری علیه فرهنگیان به ویژه فعالان صنفی، سیاسی» باشد.

این سه تشکل صنفی معلمان در بیانیه مشترک خود به عمیق تر شدن «بحران های حاکم بر نظام آموزشی کشور» اشاره کرده و افزودند: «ناکارآمدی حاکم در آموزش و پرورش سبب بحران های کیفیت، عدالت و مشروعیت» در نظام آموزشی شده است.

آن ها با تاکید بر این که علاوه «بحران کیفیت» در نظام آموزشی که به افت کیفیت آموزش میلیون ها دانش آموز ایرانی منجر شده است، «بحران عدالت» در نظام آموزشی نیز سبب «افزایش شکاف طبقاتی و نابرابری های اجتماعی، ترک تحصیل گسترده دانش آموزان بی بضاعت و کم بضاعت» و «تفاوت کیفیت آموزش در مناطق محروم و مرفه» شده است.

در بیانیه «سازمان معلمان ایران، انجمن اسلامی معلمان و مجمع فرهنگیان»، همچنین تاکید شده که «نارضایتی گسترده خانواده ها از نظام آموزشی، روی آوردن بخشی از مردم به مدارس غیردولتی و آموزش خصوصی، عدم اعتماد به کیفیت آموزش دولتی، و توسعه محتوای سیاسی و ایدئولوژیک» نیز بیانگر وجود «بحران مشروعیت» در نظام آموزشی ایران است.

آن ها، نسبت به فروش و واگذاری «دارایی های نظام آموزشی» تحت عنوان طرح مقام های ارشد جمهوری اسلامی به نام «مولدسازی»، نسبت به «خطر ناکارآمدی و فساد» هشدار دادند.

این سه تشکل معلمان و فرهنگیان تاکید کردند که «املاک آموزش و پرورش دارایی های عمومی هستند و در حالی که در بسیاری از مناطق شهری با تراکم کلاسی بالای ۴۰-۳۰ نفری دانش آموزان مواجه هستند، فروش، واگذاری و مولدسازی املاک این سازمان، بسیار پرسش برانگیز و نگران کننده است.»

سال تحصیلی جدید برای دانش آموزان و معلمان در حالی آغاز می شود که در سال تحصیلی گذشته، اعتراضات دانش آموزان در شهرهای مختلف ایران همزمان با اعتراضات زن، زندگی، آزادی ابعادی بسیار گسترده یافت.

علاوه بر بازداشت گسترده دانش‌آموزان، تعدادی از دانش‌آموزان در ارتباط با اعتراضات زن، زندگی، آزادی نیز به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شدند.

همچنین از اواخر آذر ماه پارسال، مدارس و به ویژه دانش‌آموزان دختر آماج حملاتی قرار گرفتند که ابتدا از حمله به چند مدرسه دخترانه در قم آغاز شد، سپس به بروجرد و در ادامه به ده‌ها شهر ایران گسترش یافت و تا هفته‌های پایانی سال نیز ادامه داشت.

در خیزش سراسری پس از قتل رسیدن مهسا (ژینا) امینی، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس ایران از کانون‌های اصلی شکل‌گیری اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی بودند و نزدیکی‌های نخستین سالگرد این خیزش انقلابی، دستگاه‌های امنیتی تلاش کردند تا پیش از رسیدن به سالگرد قتل مهسا امینی، آن دسته از فعالان سیاسی و اجتماعی که سال گذشته در اعتراضات حضور داشتند را با بازداشت، تهدید و ترساندن اعضای خانواده، به انفعال برسانند.

پس از ماه‌ها فشار امنیتی و احضار خانواده‌های دادخواه، اکنون با فرا رسیدن سالگرد کشته شدن هر کدام از معترضان در خیزش «زن، زندگی، آزادی»، نیروهای امنیتی از تمام ظرفیت خود برای سرکوب خانواده کشته‌شدگان استفاده می‌کنند.

نیروهای جمهوری اسلامی، هم‌زمان با سالگرد کشته شدن مهسا و سایر کشته‌شدگان، جامعه را مجبور به سکوت نماید. به تازمگی در ایلام، محسن قیصری، با حمله به حاضران در آرامستان بهشت رضا واقع در شهرک هانیوان، محمدحسین قیصری، برادر محسن قیصری را بازداشت کردند. این نیروها سرکوبگر، همچنین یک پدر و دختر با نام محمود صادقی و هدا صادقی و یک جوان را به نام علی شیرخانی بازداشت کردند و شماری از مردم را مورد ضرب‌وشتم قرار دادند.

به گزارش سازمان حقوق بشری همنگاو، روز پنج‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۲، در این مراسم شماری از شرکت‌کنندگان به‌شدت مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند و به مراکز درمانی در شهر ایلام منتقل شدند. حال چند تن از این مصدومان بسیار وخیم گزارش شده است. محسن قیصری، جوان ۳۲ ساله‌ای بود که در جریان خیزش سراسری در ایلام از فاصله نزدیک با شلیک مستقیم نیروهای یگان ویژه جان باخت.

همچنین روز پنج‌شنبه، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هم‌زمان با سالگرد کشته‌شدن دانش رهنما و عبدالله محمودپور، دو جوان کرد اهل ارومیه، به روستای بالو در این شهر هجوم بردند و مانع از برگزاری مراسم سالگرد این جان‌باختگان شدند.

به گزارش همنگاو و به نقل از منابع مطلع، نیروهای حکومتی در آرامستان روستای بالو مستقر شدند و ضمن تهدید به بازداشت، از ورود شهروندان به محوطه این قبرستان و تجمع آن‌ها جلوگیری کردند. دانش رهنما و عبدالله محمودپور، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، در جریان خیزش «زن، زندگی، آزادی» با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر در روستای بالو از توابع ارومیه جان باختند.

مهسا پیرایی، دختر مینو مجیدی، از کشته‌شدگان خیزش سراسری نیز خبر داده است که از پدرش تعهد گرفته‌اند تا بر مزار مینو مجیدی مراسمی برگزار نکند. مهسا پیرایی پیش‌تر در اینستاگرام خود پیام‌هایی از نزدیکانش منتشر کرده بود که می‌گویند در سالروز کشته شدن مادرش، خانه او و خیابان‌های اطرافش در کرمانشاه در محاصره نیروهای امنیتی قرار گرفته است. مینو مجیدی سال گذشته در چهارراه ۳۰ متری کرمانشاه، با شلیک گلوله ماموران جمهوری اسلامی کشته شد.

مادر نیکا شاکرمی، نوجوان کشته‌شده در اعتراضات سال گذشته نیز در اینستاگرام با اعلام خبر لغو مراسم سالگرد نیکا نوشته است: «تصمیم بر این بود در اولین سالگرد کشته شدن نیکا فرزند عزیزم، مراسمی برای یادبود ایشان برگزار کنیم لذا با توجه به مشکلات پیش آمده»، «مراسم را ناچارا لغو می‌کنم». پیش‌تر آتش شاکرمی، خاله نیکا شاکرمی هم از «تهدید و حبس خانگی بدون حکم» خود نوشته بود. همچنین روز پنجشنبه نیروهای امنیتی و پلیس به مسدود کردن جاده خرم‌آباد به پلدختر برای جلوگیری از حضور مردم بر مزار نیکا شاکرمی اقدام کردند.

علاوه بر این‌ها، روز پنجشنبه ماموران با پرتاب سنگ، تیراندازی و گاز اشک‌آور، به خانه جواد حیدری حمله کردند. نیروهای امنیتی که قصد داشتند از برگزاری مراسم سالگرد کشته‌شدن این فعال خیزش سراسری جلوگیری کنند، پس از ضرب‌وشتم اعضای این خانواده، پدر و دو برادر جواد حیدری را بازداشت کردند. خواهر جواد حیدری، نیمه‌شب پنجشنبه ۳۰ شهریور، با اعلام خبر بازداشت پدر و دو برادرش در رسانه اجتماعی ایکس نوشت: «پدرم و برادرم روح‌الله بازداشت شدند. برادرم مرتضی هم بازداشت شد».

در حالی که تصاویر منتشرشده از حمله نیروهای امنیتی و تیراندازی به خانه جواد حیدری مشخص است، اما با این حال عباس کاظمی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار قزوین، با تکذیب چنین اتفاقی اعلام کرد که حضور این نیروها برای «صیانت از اهالی منطقه» در مقابل «فراخوان» اعتراضی بوده است.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار قزوین با وجود انتشار تصاویر افراد و کودکان آسیب‌دیده این خانواده در اثر حمله نیروهای امنیتی، مدعی شد که «قطع اینترنت روستای رحمت‌آباد و ضرب‌وشتم اعضای خانواده جواد حیدری و نزدیکان‌شان واقعیت ندارد و فقط برای مادر این خانواده کسالتی پیش آمد که بعد از انتقال به بیمارستان، مشخص شد مسئله‌ای وجود ندارد».

آخرین روز تابستان ۱۴۰۲ مصادف با یک ساله شدن بازداشت نیلوفر حامدی، خبرنگار اجتماعی روزنامه شرق است که خبر بستری شدن و مرگ مهسا امینی در بیمارستان کسری تهران را منتشر کرد.

نخستین روز پاییز امسال نیز ۳۶۵ روز از بازداشت الهه محمدی که گزارشی از مراسم خاکسپاری او در سقز نوشت و در روزنامه «هممیهن» چاپ شد، سپری می‌شود.

در حالی این دو خبرنگار در هفته نخست مرداد امسال محاکمه شدند که مدیران مسئول روزنامه‌های شرق و هممیهن بارها تاکید کردند که آن‌ها از سوی روزنامه‌هایشان مأموریت داشتند تا این اخبار را تهیه کنند.

نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی از اتهاماتی نظیر «تبلیغ علیه نظام»، «اجماع و تبانی» و «همکاری با دولت متخاصم» برای این دو خبرنگار به همراه سایر روزنامه‌نگاران، نظیر بسیاری از معترضان دیگر استفاده کرده‌اند.

همزمان در آستانه یک ساله شدن بازداشت خبرنگارانی که مرگ مهسا امینی را منعکس کردند، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیگیری این وزارتخانه برای برخورداری تمامی روزنامه‌نگاران از «پروانه صنفی برای هویت بخشی صنفی به این قشر» خبر داد؛ اقدامی که از نگاه منتقدان یکی از سخت‌گیرانه‌ترین روش‌های سرکوب و سانسور جمهوری اسلامی توصیف شده که هدفش پاکسازی رسانه‌هاست.

در فاصله پاییز و اوایل زمستان ۱۴۰۱ خبرنگاران و عکاسان بیشتری بازداشت شدند تا آنجا که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران از تشکیل کمیته‌ای تحت عنوان کمیته پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی حوادث اخیر خبر داد و در نیمه آذر ۱۴۰۱ اعلام شد که الیاس حضرتی، مهدی رحمانیان، محمد مهاجری، کامبیز نوروزی و بدرالسادات مفیدی اعضای این کمیته بودند.

مهمترین دستاورد تشکیل این کمیته تهیه فهرست خبرنگاران و عکاسان بازداشت شده و حضور در جلسه رسیدگی به اتهامات نسیم سلطان‌بیگی، سعیده شفیعی و مهرنوش زارعی بود.

همچنین براساس گزارش فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ با وقوع مرگ مهسا امینی و شکل‌گیری اعتراضات سراسری در ایران ۸۳ روزنامه‌نگار و عکاس بازداشت شدند.

گزارش این نهاد صنفی بین‌المللی می‌افزاید که در همین مدت دستکم برای ۲۱ روزنامه‌نگار با اتهاماتی همچون تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور، مجازات حبس و زندان تعیین شده‌است.

به نوشته فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در مجموع، این روزنامه‌نگاران به ۷۷ سال زندان محکوم شده‌اند. هر چند تعدادی از آن‌ها با عفو از زندان آزاد شدند، اما با این وجود حکم برخی از آن‌ها در دادگاه‌های انقلاب، تایید شد و برخی از آن‌ها منتظر اجرای حکم هستند.

این در حالی است که با وجود گذشت بیش از ۵۰ روز از زمان اخذ آخرین دفاع از نیلوفر حامدی و الهه محمدی هنوز شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی برای این دو رای صادر نکرده‌است. با این وصف در حال حاضر دستکم ۶ روزنامه‌نگار در بازداشت به سر می‌برند.

به جز نیلوفر حامدی و الهه محمدی، ویدا ربانی، ریبوار سیدمحمدی، کامیار فکور و علی مصلحی در بازداشت هستند. همچنین نازیلا معروفیان خبرنگار دیگری است که در همین مدت دستکم ۴ بار با هجوم ماموران به خانه‌اش بازداشت و سپس با سپردن وثیقه آزاد شده‌است.

یکی دیگر از آثار اتفاقات ایران پس از مرگ مهسا امینی و اعتراضات سراسری احضار روزنامه‌نگاران به دادرسی و نهادهای امنیتی بود تا آنجا که براساس اعلام نهادهای صنفی نظیر فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران دستکم ۲۲ روزنامه‌نگار به دادرسی‌های مختلف احضار شده‌اند.

در خرداد ۱۴۰۲ یکی از رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز دبیر گروه بین‌الملل خود را اخراج کرد. اخراج محمدحسین آجرلو همسر نیلوفر حامدی از ایرنا پس از ۱۳ سال یکی از این موارد بوده‌است. مریم ورشویی از همشهری، آزاده پیراکوه، محسن آجرلو، حامد طالبی، ناهید پروری، نسرین خادمی و حمیده گودرزی از روزنامه ایران در همین مدت اخراج شدند. نادره وایلی‌زاده دیگر عضو تحریریه ایرنا بود که به دلیل امضای بیانیه‌ای اخراج شد.

از زمان آغاز خیزش «سراسری زن، زندگی، آزادی» دانشگاه‌ها در شهرهای مختلف ایران یکی از اصلی‌ترین کانون‌های اعتراضی بوده‌اند و به همین دلیل دانشگاهیان با سرکوب‌های گسترده و پرحادثه‌ای از سوی نهادهای امنیتی مواجه شده‌اند.

از جمله در هفته‌های اخیر ده‌ها استاد دانشگاه حامی معترضان و منتقد وضعیت کشور، از دانشگاه اخراج، زودتر از موعود بازنشسته یا معلق از کار شدند.

در این بین، از جمله اخراج چهره‌هایی سرشناس چون علی شریفی زارچی از دانشگاه شریف، حمیده خادمی و آمنه عالی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران و همچنین ممانعت از تدریس حسین علایی، استاد دانشگاه تهران و اکنش‌های انجمن‌های علمی و تشکلهای دانشجویی را به‌دنبال داشته‌است.



شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران روز چهارشنبه ۲۲ شهریورماه اعلام کرد که شیلان یوسفی، دبیر فیزیک دبیرستان‌های سقز در استان کردستان در پی «پرونده‌سازی و شکایت حراست شهرستان و استان، با صدور حکمی کاملاً غیرقانونی که از سوی هیئت بدوی تخلفات اداره کل آموزش و پرورش کردستان صادر شده»، به بازنشستگی اجباری محکوم شد.

این گزارش می‌افزاید که هیئت موسوم به «تخلفات وزارت آموزش و پرورش» هم این حکم را عیناً تأیید کرد و به این ترتیب از سازماندهی این معلم با ۲۳ سال سابقه تدریس، برای سال تحصیلی جدید جلوگیری شد. این منبع که عمدتاً اخبار مربوط به معلمان و فرهنگیان را پوشش می‌دهد، از «حضور در تجمعات صنفی معلمان و حمایت از اعتراضات مردمی در سال گذشته از طریق فعالیت در فضای مجازی» به‌عنوان اتهام‌های شیلان یوسفی نام برده است.

کانون صنفی معلمان تهران در بیانیه‌ای ضمن اعتراض به ادامه موج گسترده بازداشت معترضان، زنان، جوانان، معلمان، فعالان کارگری، خبرنگاران، وکلا، دانشجویان، و دیگر معترضان، در مورد وخیم شدن وضع جسمی جعفر ابراهیمی هشدار داد و خواهان آزادی فوری این معلم زندانی شد.

بنا بر اعلام شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، جعفر ابراهیمی، معلم زندانی، با وجود وخامت حال جسمی، یکی از ۱۳ زندانی سیاسی است که از زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل شده است.

کامیار فکور، لقمان امین‌پور، سعید ماسوری، افشین بایمانی، سپهر امام‌جمعه، زرتشت احمدی‌راغب، محمد شافعی، سامان صیدی(یاسین)، حمزه سواری، احمدرضا حائری، رضا سلمان‌زاده، و مسعودرضا ابراهیمی‌نژاد نیز از جمله همین زندانیان سیاسی‌اند.

عرفان کرم‌ویسی، وکیل جعفر ابراهیمی، روز چهارشنبه خبر داد که موکلش موقتاً به «اعتصاب دارو» پایان داده است. با این حال، کانون صنفی معلمان تهران ضمن تأکید بر اینکه «جعفر ابراهیمی انسانی است عدالت‌خواه و معلمی است مسئول»، افزود: «او اکنون با وضعیت وخیم جسمی، حتی از دریافت ابتدایی‌ترین اقدامات درمانی برای حفظ جان و سلامت نیز محروم است.»

این کانون در بیانیه‌اش «خواهان اعزام هرچه سریع‌تر جعفر ابراهیمی به بیمارستان برای معالجه فوری و ثبت آثار ضرب‌وشتم موجود بر بدنش» شد و افزود: «ما خواهان رسیدگی فوری و مجازات ماموران خاطی هستیم. تمامی مسئولان زندان و نهادهای مرتبط با این پرونده در برابر هر نوع آسیب جسمی و روحی روانی به جعفر ابراهیمی مقصرند.»

در بیانیه کانون صنفی معلمان تهران، ضمن اشاره به بازداشت‌های گسترده کنشگران مدنی و معترضان و صدور حکم‌های سنگین برای فعالان حقوق فرهنگیان و دیگر کنشگران مدنی، آمده است که مقام‌های حکومتی «بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی و فردی مصرح در قوانین جاری» را نیز زیر پا می‌گذارند و «هر نهاد مردمی را که بخواهد خارج از حیطه انحصار حکومت، اقدامی گره‌گشا یا نقدی بر عملکرد حکمرانان داشته باشد، به‌شدت سرکوب می‌کنند.»

بیانیه کانون صنفی معلمان با اشاره به «افزایش فشار حکومت بر کنشگران و منتقدین از هر قشر و طبقه اجتماعی» تاکید دارد که مقام‌های جمهوری اسلامی «اکنون هراسناک از جنبشی که بنیادهای مشروعیت و اقتدار آنان را به‌شدت سست نموده، بر سر شاخه نشسته و بُن می‌برند.»

انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی نیز در بیانیه‌ای ضمن اعتراض به ادامه حبس جعفر ابراهیمی و انتقال او از زندان اوین به زندان قزلحصار، به مقام‌های جمهوری اسلامی هشدار داد که معلمان و فرهنگیان «در مقابل فرستادن جان‌های شریف و آزاده به قربانگاه سکوت» نخواهند کرد.

در این بیانیه پس از تاکید بر «وخامت وضعیت جسمانی جعفر ابراهیمی، بازرس شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران»، آمده است: «تشدید بیماری التهاب روده ابراهیمی از زمان بازداشت در اردیبهشت ۱۴۰۱ به‌دلیل بازداشت طولانی‌مدت در سلول انفرادی» و «ابتلاي او به بیماری دیابت در زندان»، در صورت عدم رسیدگی پزشکی، می‌تواند پیامدهای جبران ناپذیری از جمله «خطر جدی تاری دید و در پی آن از دست دادن بینایی» داشته باشد.

انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی ضمن «محکوم کردن رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی، و فراقانونی اعمال‌شده علیه جعفر ابراهیمی»، خواهان پایان دادن به بی‌اطلاعی از وضع این معلم زندانی، رسیدگی فوری پزشکی به وضع جسمانی او، و فرستادن او به مراکز درمانی تخصصی» شد.

این انجمن، همچنین هشدار داد که «تبعید جعفر ابراهیمی به زندان قزلحصار جان این فعال صنفی معلمان را بیش‌تر از پیش به خطر انداخته است» و افزود: «انتظار این است که با آزادی فوری این معلم زندانی، از بروز حوادث ناگوار بعدی پیش‌گیری شود.»

این بیانیه‌ها در حالی منتشر شده است که شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران و آموزش بین‌الملل روز دوشنبه ۲۷ شهریور با راه‌اندازی کارزاری در شبکه اجتماعی ایکس(توییتر سابق) به «انتقال و تبعید» شماری از زندانیان سیاسی از جمله جعفر ابراهیمی از زندان اوین به زندان قزلحصار و همچنین ضرب و جرح و خودداری از رسیدگی پزشکی به وضع وخیم جسمانی این معلم زندانی اعتراض کردند.

همزمان با اخراج سازماندهی‌شده استادان دانشگاه، فشارها بر فعالان صنفی معلمان نیز افزایش یافته است. در همین راستا اعلام شد که حکم انفصال دائم از مشاغل دولتی برای عزیز قاسمزاده، فعال صنفی معلمان، صادر شده است.

شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان اعلام کرد که هیئت‌بدوی رسیدگی به تخلفات کارکنان آموزش و پرورش استان گیلان که پیش‌تر اتهاماتی با ۲۵ بند را به عزیز قاسمزاده لیاوسی در زندان لاکان ابلاغ کرده بود، رای خود را مبنی بر اعمال شدیدترین نوع مجازات یعنی انفصال دائم از تمام خدمات دولتی، به این معلم با بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت ابلاغ کرد.

پس از صدور این حکم، عزیز قاسمزاده با انتشار نامه‌ای از شرایط سخت خود در زندان و مشکلات سلامتی‌اش گفت. او در این نامه با اشاره به اینکه اول مرداد ۱۴۰۲ از زندان لاکان به مرخصی آمده است، نوشت: «در زندان از ناحیه گردن و دست راست دچار درد طاقت‌فرسایی شدم. پس از آن ۲۹ تیر حوالی ساعت ۵:۳۰ صبح چنان درد معده شدیدی

گرفتم که گویی به معده می‌کوبند، این درد به پشت گردن و ستون فقرات زد، دردی که از تاب و تحمل فراتر بود و هر لحظه‌اش به قرنی می‌گذشت. حدود ساعت ۸ صبح مرا به بهداری منتقل کردند و تا اندازه‌ای این درد مهار شد.»

او با اشاره به بازگشت بیماری‌اش در دوران مرخصی نوشت: «دوباره این درد گریبان مرا سخت گرفت. با آزمایشات پاتوبیولوژی و سونوگرافی معلوم شد سنگ‌های متعددی در کیسه صفرا وجود دارد که خوشبختانه با موفقیت عملش انجام شد. در کنار آن پی‌اس‌ای پروستات هم عدد بالایی را نشان داد که به پزشک متخصص مراجعه کردم که اگر با دارو درمان نشود، باید نمونه‌برداری صورت گیرد. علاوه بر آن به علت افزایش متناوب فشار خون به دکتر قلب مراجعه کردم.»

همچنین جعفر ابراهیمی، بازرس شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران، با وجود تاکید پزشکی قانونی، از دسترسی به امکانات پزشکی منع شده است. سازمان زندان‌ها علی‌رغم تاکید پزشکی قانونی برای مرخصی درمانی جعفر ابراهیمی، از این کار خودداری کرده است.

جعفر ابراهیمی به دلیل مشکلات گوارشی در اثر نبود رسیدگی پزشکی تخصصی، وضعیت جسمی وخیمی پیدا کرده است. ابراهیمی مدت‌هاست که به دلیل بازگشت بیماری التهاب روده، به درمان فوری نیاز دارد. شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرد در حالی‌که پزشکی قانونی تشخیص داده که ضروری است جعفر ابراهیمی برای گرفتن درمان، به مرخصی درمانی برود، اما هنوز زندان اوین اقدامی در این خصوص انجام نداده است.

این در حالی است که سازمان زندان‌ها موظف است با هزینه آن سازمان، دوره درمان زندانی را در خارج از زندان تقبل کند. بر اساس این گزارش، درمان این فعال صنفی معلمان در زندان امکان‌پذیر نیست.

علاوه بر معلمان، دانش‌آموزان نیز در یک‌سال گذشته با مشکلات بسیاری همچون بازداشت، تهدید، حضور نیروهای امنیتی در مدارس و مسمومیت‌های شیمیایی مشکوک مواجه شده‌اند. این مشکلات و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران باعث شده است مهاجرت نخبگان از استادان، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان به دانش‌آموزان برسد. حاجی میرزایی، وزیر پیشین آموزش و پرورش، در گفت‌وگو با بیان فردا با اشاره به افزایش پدیده مهاجرت دانش‌آموزی گفت: «متهم اصلی مهاجرت نظام حکمرانی است. کسانی که مهاجرت می‌کنند از نظر من قابل نقد نیستند. متهم کسانی‌اند که فضای لازم را برای کار کردن، رشد یافتن، تصویر روشن و امیدوارانه به نسل جدید ارائه نمی‌دهند.»

حاجی میرزایی گفت: «اگر امکان پیش‌بینی را از کسی بگیرید. اگر شما باور به این موضوع را که می‌تواند با تلاش موقعیت بهتری خلق کند بگیرید، ممکن است پدیده گسترش بیش‌تری پیدا کند. برای حل پدیده مهاجرت باید بیش از هر زمانی به شیوه حکمرانی نگاه کنیم و در آن تجدیدنظر کنیم.»



نمایش چندآور شیخ ابراهیم رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل - نیویورک

هنگام ورود ابراهیم رئیسی به تالار سخنرانی سازمان ملل در نیویورک و در قلب آمریکای «جهان‌خوار»، روزنامه‌نگاران با صدای بلند از او می‌پرسند «آقای رئیسی آیا در باره کشته‌شدن ۵۰۰ نفر در ایران صحبت خواهی کرد؟» تاکتیک هیات چیست؟ ابراهیم رئیسی با عجله و سراسیمه بدون این که به سئوالات خبرنگاران جواب دهد به راه خود ادامه نمی‌دهد. اما همراهان چماق‌دار و بچه‌کش او، با ایجاد هیاهو و سروصدا تلاش می‌کنند تا صدای روزنامه‌نگاران به گوش رئیسی نرسد. در صحنه‌ای دیگر یکی از این چماق‌داران حکومتی به مقابله با روزنامه‌نگاران پرداخته و «تحریم دارو» را تکرار می‌کند. روزنامه‌نگاری می‌پرسد: چرا افرادی مانند شما در باره کشتارها و قتل‌های حکومتی و نیز قتل کیان پیرفلک در ایران سکوت می‌کنید و همدست حکومت هستید؟ در صحنه دیگری یکی از دیپلمات‌های تروریست حکومتی به‌سوی یک روزنامه‌نگار زن خیز برمی‌دارد تا او را مورد تعرض قرار دهد. ولی روزنامه‌نگار به او یادآور می‌شود: «در غرب روزنامه‌نگار آزاد است و مانند داخل نمی‌توانید او را بکشید.» در صحنه دیگری یک روزنامه‌نگار به فردی به‌نام «امینی» تهیه‌کننده سریال امنیتی «گاندو»، به او می‌گوید: «شما با همکاری امنیتی‌ها فیلم می‌سازید.» این تهیه‌کننده سریال‌ها و فیلم‌های امنیتی جمهوری اسلامی، وقیحانه می‌گوید: «شماها تروریست هستید.» روزنامه‌نگار پاسخ می‌دهد «شما آقای امینی در جامعه جهانی متهم به تروریسم هستید.» در صحنه دیگری، یکی از چماق‌داران همراه رئیسی، با خشم به‌سوی روزنامه‌نگاری که فیلم‌برداری می‌کند یورش می‌برد و تلفن او را بیرون می‌گیرد اما نگهبان و پلیس مداخله کرده و جلوی تهاجم این چماق‌دار حکومتی را می‌گیرند و...

ابراهیم رئیسی در سخنرانی خود، دست به نمایش چندآوری می‌زند او در ابتدا سخنان خود را با آیه‌هایی از قرآن شروع کرد و به دفاع از قرآن پرداخت. در حالی که چنین اقدامی جایش شاید در منبر و مسجد باشد اما قطعاً در سازمان ملل نیست. او همچنین تصویر سردسته سابق تروریست‌های سپاه قدس و آدم‌کشی چون قاسم سلیمانی را بالا برد و ... در چنین شرایطی، مقامات حکومت را چنان دچار «توهم اقتدار» شده‌اند که ابراهیم رئیسی به نمایندگی از همه آن‌ها در صحن علنی سازمان ملل، بدون حتی اشاره به یک مورد از بحران‌های اساسی نظام ادعا می‌کند «نظم کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران سیری‌ناپذیر بود کنار زده شده و پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است.»

دقیقاً روزی که رئیسی و همراهان وی به نیویورک رسیدند، موشک بالستیک وزارت دفاع جمهوری اسلامی در گرگان سقوط کرد و خسارات سنگینی برجای گذاشت. هیچ توضیحی هم داده نشد که چه‌طور موشکی که در پایگاه سمنان در کویر مرکزی ایران تست شده بود سر از گرگان درآورد؟!

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۲۹ شهریور در دیدار با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح برای چندمین بار نسبت به آن هشدار داد، به روشنی گویاست: «دشمن به دنبال از بین بردن جمهوری اسلامی است و برای این منظور برنامه‌ریزی می‌کند.»

فرار مغزها که برخی در ایران آن را «صادرات نخبگان» می‌نامند، به شکلی در حال از بین بردن بخش عمده‌ای از سرمایه انسانی به‌عنوان موتور رشد و توسعه کشور است.

سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه و پیشرفت یک جامعه به شمار می‌آید؛ تا جایی که می‌شود از سرمایه انسانی هر کشور به‌عنوان ثروت آن یاد کرد. دانشمندان، متخصصان، پژوهشگران و دانشجویان از مهم‌ترین سرمایه‌های کشور محسوب می‌شوند.

در همین ارتباط بر اساس برخی از آمارهای منتشر شده، از ۱۲۵ دانش‌آموزی که طی سال‌های گذشته در المپیادهای جهانی رتبه کسب کرده‌اند، ۹۰ نفر در دانشگاه‌های آمریکایی تحصیل می‌کنند. سایت خبری «المانیتور» در گزارشی

ضمن اشاره به آمار صندوق بین‌المللی پول، نوشت: سالیانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام می‌کنند.

المانی‌تور، خروج این تعداد از افراد را معادل خروج ۵۰ میلیارد دلار سرمایه از ایران دانست و نوشت: ایران از نظر فرار مغزها در میان ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان مقام نخست را از آن خود کرده است.



تا آن‌جا که به دانش‌آموزان برمی‌گردد از زمستان سال گذشته نیز گزارش‌های متعددی از مسمومیت‌های گازی مشکوک در مدارس شهرهای مختلف صورت گرفت که تا بهار امسال نیز ادامه داشت. اما مقام‌های جمهوری اسلامی عامل این اتفاقات را معرفی نکردند.

از سوی دیگر، کشته شدن نوجوانانی مانند سارینا اسماعیل‌زاده، نیکا شاکرمی، سپهر مقصودی و کیان پیرفلک که در جریان تجمع‌های خیابانی یا در کنار خانواده خود با شلیک گلوله یا بر اثر ضربات باتوم و شکنجه نیروهای امنیتی کشته شدند، باعث شد امسال در شبکه‌های اجتماعی تصاویر آنها همزمان با اول مهر منتشر و یادشان گرامی داشته شود. مادر سپهر مقصودی، نوجوان کشته شده در ایزه در آبان سال گذشته، شامگاه جمعه با انتشار یک استوری اینستاگرامی و به کار بردن عبارت «همشاگردی سلام» نوشت: «سپهرم، فردا اول مهر کجایی؟ همکلاسی‌هات فردا میرن مدرسه. روزنامه رسالت، نزدیک به جناح حاکم، روز ۱۴ شهریور با انتشار گزارشی از افزایش بیش از ۱۷ درصدی کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل طی ۶ سال خبر داد و علت آن را «گسترش فقر» در کشور عنوان کرد. گزارش این روزنامه مستند به آمار مرکز پژوهش‌های مجلس بود و بر اساس آن، شمار بازماندگان از تحصیل از سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به میزان ۱۷.۱۵ درصد رشد داشته است.

از سوی دیگر وزیر آموزش و پرورش روز ۳۰ شهریور خبر داد که امسال «نزدیک به ۲۰ هزار» مدیر مدرسه تغییر کردند تا به گفته او در مدارس «تحول» ایجاد کنند. او با بیان این که «جنگ امروز دیگر در مرزها نیست، بلکه در مغزها است»، اذعان کرد کار جمهوری اسلامی در این زمینه به مراتب سخت‌تر است.

رضامراد صحرایی، هم‌چنین گفت: «دانش‌آموزان عزیز باید بدانید که اگر در مسیر دفاع از ارزش‌ها قرار گرفته‌اید، سختی‌هایی نیز وجود دارد، در نتیجه این‌جاست که موضوع صبر اهمیت پیدا می‌کند.» این اظهارات وزیر آموزش و پرورش در حالی بیان شد که انتقاد از نبود عدالت آموزشی و افزایش شکاف طبقاتی که بر کیفیت تحصیل دانش‌آموزان طبقات فرودست تأثیر می‌گذارد، خبرساز شده است.

شهریور ماه امسال اظهارات وزیر آموزش و پرورش در یک برنامه تلویزیونی که تحصیل در مدارس دولتی و غیرانتفاعی را با خرید ماشین مقایسه کرد و گفت «اگر بخواهید ماشین مدل بالا هم بخرید باید پول بیش‌تری بدهید»، انتقادات زیادی برانگیخت.



نهایتاً سعادت و تکامل انسان، نیازمند تلاش و توجه و حرکت است. یکی از عوامل مهمی که ضرورت تعلیم و تربیت آزادانه را شدت می‌بخشد، و تاثیر خاص و ویژه‌ای بر رشد و گسترش افکار و عقاید علمی انسان و به‌طور کلی انتقال فرهنگ يك جامعه به معاصران و نسل‌های آینده است. بر این اساس، تاثیر تعلیم و تربیت، مثبت یا منفی در انسان جنبه تصاعدي می‌یابد و علاوه بر خانواده و فامیل می‌تواند جامعه‌ای را در عصری تحت تاثیر قرار دهد. اما جمهوری اسلامی ۴۴ سال است که ضربات سنگین و بخشا جبران‌ناپذیری بر عرصه علم و دانش جامعه ایران و حتی منطقه وارد کرده و همچنان تلاش می‌کند این عرصه علم و دانش را به میدانی برای تاخت و تاز افکار ارتجاعی و ایدئولوژیک حاکمیت خود تبدیل کند.

تعلیم و تربیت اهمیت حیاتی دارد از جمله دگرگونی‌های علم و صنعت و گسترش و رشد تمدن و نیاز به تخصص و مهارت‌ها و توانایی‌های جدید برای داشتن روابط اجتماعی صحیح و توان رقابت و موفقیت در کار و مدیریت اجتماعی و سیاسی. اما جمهوری اسلامی، همه معیارهای علمی و آموزش و تربیتی جهان شمول را نه تنها کنار گذاشته بلکه همواره به دنبال تحمیل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده خود از جمله در سیستم آموزش کشور به مردم است.

جمهوری اسلامی با علم و دانش بشری و همچنین با آزادی و برابری و عدالت اجتماعی، سر دشمنی دیرینه دارد و ۴۴ سال است در راستای اهداف ارتجاعی خود، سخت مشغول جنگ و خونریزی، ترور و وحشت، شکنجه و اعدام، دزدی و فساد است. اما متأسفانه امروز جامعه ما، در یک بن‌بست دو سویه قرار گرفته که نه راه پیش دارد و نه پس. اما این وضعیت نمی‌توند دوام بیاورد و دیر و یا زود فروپاشی و نابودی گلولی جمهوری اسلامی را خواهد گرفت!

یکشنبه دوم مهر-میزان- ۱۴۰۲- بیست و چهارم سپتمبر ۲۰۲۳

ضمایم:

*یک:

بیانیه مشترک فعالان صنفی دانشگاه‌های کشور به‌مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها

ما باز می‌گردیم.

در سالی که گذشت، ما دانشجویان همگام با دیگر اقشار مردم در دانشگاه‌ها صدای اعتراض به ستم و استبداد را بلند کردیم و با هم‌زمانان در خیابان پیمان مقاومت بستیم. بهای این ایستادگی زیاد و دستاوردهای آن ماندگار بود؛ بازداشت، اخراج، تعلیق و تهدید شدید، اما پس از گذشت یک سال به نقطه‌ای رسیده‌ایم که باور داریم قدم در راهی بی‌بازگشت و روبه‌جلو نهاده‌ایم که بدل به آگاهی‌ای همگانی در بین ما شده است.

اکنون استبداد شاید بیش از هر زمان دیگر از بدو تاسیس، کمر به قتل دانشگاه بسته است؛ از حذف دانشجویان و اساتید غیر همسو از فضای دانشگاه، اخته‌کردن تشکل‌ها و محدود ساختن حوزه فعالیتشان، تفکیک و حذف یک‌بیهیک فضاهای

دانشجویی، محروم کردن دانشجویان از امکانات رفاهی در خور و به‌حقشان گرفته تا حرکت به سوی پولی‌سازی دانشگاه و حذف آموزش رایگان. گرچه رد تازیانه انضباطشان پابرجاست اما زخمشان کاری نیست؛ چراکه تجربه‌ی متناوب «خواستن، سرکوب و ایستادگی» در سالی که گذشت، ما را وارد مرحله‌ی تازه‌ای از کنشگری و مقاومت برای رسیدن به آرمان‌هایمان کرده است که اقدامات سرکوبگرانه حکومت را بی‌اثر خواهد کرد.

ما، جمعی از فعالان صنفی دانشگاه‌های کشور، گوشه‌ای از این ایستادگی‌های ماندگار دانشجویان در برابر سرکوب را در سلسله #گزارش_جنبش_جمع‌آوری کردیم تا در یادها بماند آنچه کردیم و گذشت بر ما. یکی از اهداف ما برای ثبت این مسیر در قالب کارهایی همچون گزارش جنبش، انتقال این تجربه‌ی ادامه‌دار به دانشجویان جدید دانشگاه برای به دست‌دادن تصویری بهتر از جایگاهی‌ست که در آن قرار داریم و دعوتی‌ست از شما تا به پاسداشت امید و زندگی به آن بپیوندید و در تلاش برای ساخت آن همراه شوید. چراکه هویت دانشجویی، به معنی ایستادگی در برابر ناعدالتی‌ها و تلاش برای نیل به خواسته‌های به‌حق است و پیوند مستقیمی با آگاهی سیال جمعی و رو به کمال جامعه‌اش دارد.

اکنون به جلو می‌نگریم؛ در حالی در آستانه‌ی آغاز سال تحصیلی جدید قرار داریم که دانشگاه در بسیاری از ساحت‌ها نامولد شده است، شرايطی که ما را با پرسش‌هایی جدی و سازنده مواجه می‌سازد. حال با انباشتی از تجربه و در امتداد مسیر بی‌بازگشتی که طی کرده‌ایم، وقت بازپس‌گیری و بازتعریف دوباره‌ی دانشگاه به‌عنوان میدانی برای تخیل و ساخت آینده و مبارزه برای رسیدن به آن است. هم‌اکنون در درون جنبش دانشجویی سنت و ادبیاتی درحال ساخته‌شدن است که خار چشم استبداد و آتشی روشنی‌بخش برای راهی‌ست که به سوی فردا در پیش گرفته‌ایم.

امضاءکنندگان بیانیه؛

فعالان صنفی #دانشگاه_اصفهان

فعالان صنفی #دانشگاه_هنر_اصفهان

فعالان صنفی #دانشگاه_نوشتیروانی_بابل

فعالان صنفی #دانشگاه_یزد

فعالان صنفی #دانشگاه_تهران

فعالان صنفی #دانشگاه_هنر

فعالان صنفی #دانشگاه_بهشتی

فعالان صنفی #دانشگاه_چمران_اهواز

فعالان صنفی #دانشگاه_الزهر

فعالان صنفی #دانشگاه_علامه

فعالان صنفی #دانشگاه_خواجه_نصیر

فعالان صنفی #دانشگاه_فردوسی_مشهد

دو:

*آموزش بین‌الملل: فعالین صنفی معلمان را که مطالبات برحق کارگران را بیان می‌کنند، آزاد کنید!

آموزش بین‌الملل با انتشار نامه‌ای در خصوص وضعیت معلمان ایران، از اتحادیه‌های آموزشی عضو خود در سراسر جهان خواست که از مقامات جمهوری اسلامی ایران بخواهند بلافاصله و بدون قید و شرط معلمان زندانی تشکل‌های صنفی، اتحادیه‌های کارگری، را آزاد کنند و به حقوق اتحادیه‌ها احترام بگذارند.

معلمان در ایران سال‌هاست که خواسته‌های برحق خود را برای شرایط کاری مناسب، به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی خود به عنوان معلم و شهروند بیان می‌کنند. از اول ماه مه ۲۰۲۲، چندین نفر از رهبران اتحادیه معلمان به دلیل انجام فعالیت‌های مسالمت‌آمیز اتحادیه‌های کارگری مجاز توسط قوانین ملی و بین‌المللی، به‌طور غیرقانونی دستگیر، بازداشت و شکنجه شده‌اند.

در هفته‌های اخیر، مقامات ایرانی بار دیگر به سرکوب معلمان و نمایندگان تشکلهای صنفی، به منظور کنترل تظاهرات اولین سالگرد قتل ژینا امینی در ۱۶ سپتامبر، دست زدند.

آموزش بین‌الملل به ویژه در مورد وضعیت افراد مذکور، از اعضای انجمن‌های صنفی معلمان، که به صورت منطقه‌ای فهرست شده، ابراز نگران کرده است. کلیه انجمن‌های معلمان استان و شهرستان زیر عضویت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران است و این شورا زیر مجموعه EI (آموزش بین‌الملل) است:

*انجمن صنفی معلمان استان البرز: مسعود فرهیخته

*انجمن صنفی معلمان تهران (شامل شهرستان اسلامشهر): اسماعیل عبدی، رسول بدایق، محمد دارکش، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، زینب هم‌رنگ، فرزانه ناظران پور، فاطمه تدریسی، محمدتقی فلاحتی و سارا سپاه‌پور.

*انجمن صنفی معلمان استان کوردستان:

*انجمن صنفی معلمان دیواندره: امید شاه‌محمدی

*انجمن صنفی معلمان مریوان: شیوا عاملی‌راد، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، تحسین مصطفی، مسعود نیک‌خواه و سیوان سلیمانی.

*انجمن صنفی معلمان سنندج: لقمان افضلی، مختار اسدی و مجید کریمی

*انجمن صنفی معلمان سقز: سلیمان عبدی

*کانون صنفی معلمان بوشهر: محمود ملاکی

*انجمن صنفی معلمان خراسان رضوی: هاشم خواستار و عاتکه رجبی

*انجمن صنفی معلمان استان خوزستان: پیروز نامی

*انجمن صنفی معلمان شهرستان شهرضا، استان اصفهان: حمید رحمتی

*انجمن صنفی معلمان استان گیلان: انوش عادل، فریبا انامی، عزیز قاسمزاده، حسن نظریان و محمود صدیقی‌پور

*انجمن صنفی معلمان استان فارس: محمدعلی زحمتکش، عبدالرزاق امیری، اصغر امیرزادگان، مژگان باقری، زهرا اسفندیاری، مهدی فتحی، ابوالفضل خوران، غلامرضا غلامی‌کندازی، ایرج رهنما و افشین رزمجو.

*فعال صنفی معلمان استان چهارمحال و بختیاری و شهرکرد: محمد سعیدی ابوالشقایق

*فعال صنفی معلمان استان خراسان شمالی، شهرستان اسفراین: سعید مطهری

این اعضای تشکلات صنفی معلمان، از ماه می ۲۰۲۲ با یک سری موارد نقض شدید حقوق خود مواجه شده‌اند، از جمله:-

- اخراج؛

- تنزل رتبه و کاهش حقوق

- دستگیری و بازداشت؛ اغلب در سلول انفرادی برای مدت طولانی؛

- شکنجه برای گرفتن اعترافات دروغین و اجبار به انصراف از کار صنفی؛

- بازداشت طولانی مدت فراتر از مجازات‌های اولیه زندان؛

- مبالغ گزاف وثیفه، برخی به ۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا برای آزادی موقت؛
 - دسترسی ناکافی به درمان پزشکی؛
 - دسترسی محدود به مشاور حقوقی؛
 - محدودیت در حقوق ملاقات با خانواده؛
 - انتشار اطلاعات نادرست و اتهام به آنان در شبکه‌های اجتماعی؛
 - مواجه شدن با اتهامات غیرمنطقی؛
- انتقال پرونده‌های قضایی به شعبه‌هایی از دادگاه انقلاب اسلامی که معمولاً به پرونده‌های سیاسی اختصاص دارد؛ این اقدامات بیانگر اشکال مختلف آزار و اذیت غیرقانونی علیه اعضای این تشکلات است.
- آموزش بین‌الملل از اتحادیه‌های آموزشی اعضای خود دعوت کرده است که در حمایت از همکاران ایرانی اقدام کنند و با ارسال نامه اعتراضی به رهبر جمهوری اسلامی ایران، آزادی معلمان زندانی صنفی، رعایت حقوق آنان و آزادی‌های اساسی در کشور را خواستار شوند.